روزنامه صبح ایران دنیای اقتصاد
گروه فرهنگ
۵۲۱۸۹۳۷۴
farhang@den.ir

توضیحات کارگردان «سلطان مار» درباره دشواری اجرای نمایش

تئاتر یک ضرورت است



نمایش «سلطان مار» به نویسندگی بهرام بیضایی و کارگردانی امیر سفیری این روزها در تالار حافظ روی صحنه است. فرشته ارسطویی، مریم افشار، آرش باقری، ملیکا بذال طبع، ثمین بزرگمند، شقایق بهرامی و عرفان حسین زاده گروه بازیگران این نمایش را تشکیل می دهند. امیر سفیری درباره داستان این نمایش گفت: این نمایش برگرفته از افسانه‌ای کهن است که بهرام بیضایی بر اساس آن نمایشنامه خود را نوشته است. در این داستان، پادشاهی صاحب فرزندی می شود که انسان نیست و مار است. در ادامه، اتفاقاتی رخ می دهد که مخاطب را با سرنوشت این شخصیت و شرایطی که او را به موقعیت خود رسانده است، مواجه می کند.

این کارگردان درباره ویژگی های اجرایی نمایش «سلطان مار» گفت: یکی از دلایل انتخاب این نمایشنامه، ظرفیت آن برای خلق فضاهای بصری و ذهنی بود. عناصری مانند خواب و سایه‌بازی امکان شکل دادن به جهان اجرایی مورد نظر من را فراهم می کردند. نمایشنامه بیضایی با وجود ریشه داشتن در یک افسانه کهن، متنی مدرن است و ظرفیت ارتباط با جهان امروز را دارد؛ بنابراین برای امروزی کردن آن لزوما نیازی به تغییرات بنیادین در متن نیست. تلاش کردم با استفاده از بازیگری فیزیکال، سایه‌بازی، ویدئو و انیمیشن، فضای اجرایی مورد نظرم را شکل دهم و ظرفیت های متن را با زبان اجرایی خودم به صحنه منتقل کنم. سفیری در ادامه، درباره دشواری های تولید تئاتر در شرایط این روزهای جامعه توضیح داد: اگر اثر نمایشی تولید نکنیم، فیلم نسازیم و آثار فرهنگی منتشر نکنیم، چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ هر حرفه‌ای وظیفه مشخصی دارد و ما نیز باید کاری را که در آن تخصص داریم، انجام دهیم. بخشی از زندگی ما از این راه می گذرد، اما مساله فقط تامین معاش نیست و مسوولیتی فرهنگی نیز بر دوش خود احساس می کنیم.

این کارگردان با اشاره به افزایش هزینه‌های تولید آثار نمایشی گفت: تولید تئاتر، به‌ویژه در شرایط فعلی، هزینه سنگینی دارد؛ به‌طوری که گاهی با هزینه تولید یک نمایش می توان فیلم کوتاه ساخت. با این حال، همچنان تئاتر کار می کنم؛ زیرا از نگاه من، تئاتر یک ضرورت است و باید به فعالیت در این حوزه ادامه داد.

سفیری در ادامه درباره وضعیت تئاتر و رابطه آثار نمایشی با مخاطبان گفت: تئاتر کمدی باید وجود داشته باشد، آثار جدی و روشنفکرانه نیز جایگاه خود را دارند و پرفورمنس هم می تواند بخشی از فضای هنری ما باشد. مساله این است که هر کدام از این گونه‌ها باید در جایگاه مناسب خود قرار بگیرند و تنوع تئاتر نباید به معنای نادیده گرفتن کیفیت آثار باشد. او گفت: به نظر من، مخاطب امروز تا حدی به تماشای آثار ساده‌تر عادت کرده است؛ البته این موضوع را باید در کنار کیفیت خوراک فرهنگی‌ای بررسی کرد که در اختیار او قرار می دهیم. اگر می خواهیم تماشاگر زمان بیشتری را در سالن بگذراند، باید اثری ارائه کنیم که ارزش این زمان را داشته باشد. کارگردان «سلطان مار» با تاکید بر اهمیت اندیشه در تئاتر افزود: مساله این نیست که حتما هر نمایشی سه ساعت باشد؛ مهم این است که اثر نمایشی حرفی برای گفتن داشته باشد. تماشاگر می تواند با دیدن یک نمایش کمدی بخندد و لذت ببرد، اما در کنار سرگرمی باید به اندیشه نیز توجه کنیم. مهم است که مخاطب پس از خروج از سالن درباره آنچه دیده است، فکر کند و از خود بپرسد نمایش چه می خواست بگوید. او گفت: اگر بتوانیم حتی بر یک نفر تاثیر بگذاریم، کار خود را به نتیجه رسانده‌ایم. به همین دلیل، نباید تنها به میزان استقبال از نمایش‌های کمدی یا آثاری که با حضور چهره‌های شناخته‌شده روی صحنه می روند توجه کنیم. اندیشه در تئاتر اهمیت زیادی دارد و ما باید خوراک فرهنگی و فکری مناسبی به مخاطب ارائه دهیم.

حسین رفیعی از بازی در «کارآگاه علوی ۳» می گوید

بازیگر باید به شخصیت وفادار بماند



حسین رفیعی مجری و بازیگر که این روزها در سریال «کارآگاه علوی ۳» حضور دارد از ایفای نقش متفاوتش در سریال «کارآگاه علوی ۳» حرف زد. او در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر گفت: زمانی که اولین فصل این سریال ساخته و پخش می‌شد، من در ابتدای مسیر کاری‌ام بودم و همیشه دوست داشتم تجربه حضور در چنین مجموعه‌ای را داشته باشم. وقتی پیشنهاد بازی در فصل جدید به من داده شد، برایم اتفاقی هیجان انگیز بود و از اینکه به گروه اضافه می شدم، خوشحال بودم.

او درباره ویژگی های نقشی که در این مجموعه ایفا کرده است، توضیح داد: وقتی فیلمنامه را خواندم، متوجه شدم با شخصیتی روبه‌رو هستم که ویژگی های خاصی دارد و در گره‌افکنی های یک قصه جنایی نقش ایفا می کند. بازی در چنین نقشی برایم تجربه‌ای تازه بود، به‌ویژه اینکه داستان در دوره‌ای تاریخی روایت می شود و باید با توجه به شرایط آن زمان، از پوشش و گریم گرفته تا نوع نگاه و رفتار شخصیت، خودم را به فضای قصه نزدیک می کردم.

رفیعی با اشاره به سال ها فعالیت در حوزه طنز و اجرا گفت: بازیگرانی که مدت زیادی در عرصه طنز فعالیت کرده‌اند، گاهی عادت دارند بخشی از نگاه و سلیقه خود را به متن اضافه کنند تا موقعیت‌ها بامزه‌تر شود. با این حال، در برخی نقش ها لازم است بازیگر به متن وفادار بماند و از اضافه کردن شوخی های شخصی پرهیز کند.

رفیعی درباره نسبت شخصیت واقعی خود با نقش هایی که ایفا می کند، گفت: من در هر شرایطی حسین رفیعی هستم؛ چه نقش یک مجرم را بازی کنم، چه نقش یک کودک یا مجری. با این حال، وقتی بازیگر نقشی را می پذیرد، باید به ویژگی های آن نزدیک شود و به شخصیت وفادار بماند. هر بازیگری بر اساس توانایی ها، تجربه‌ها و نگاه خودش نقش را پردازش می کند و به آن شکل می دهد.

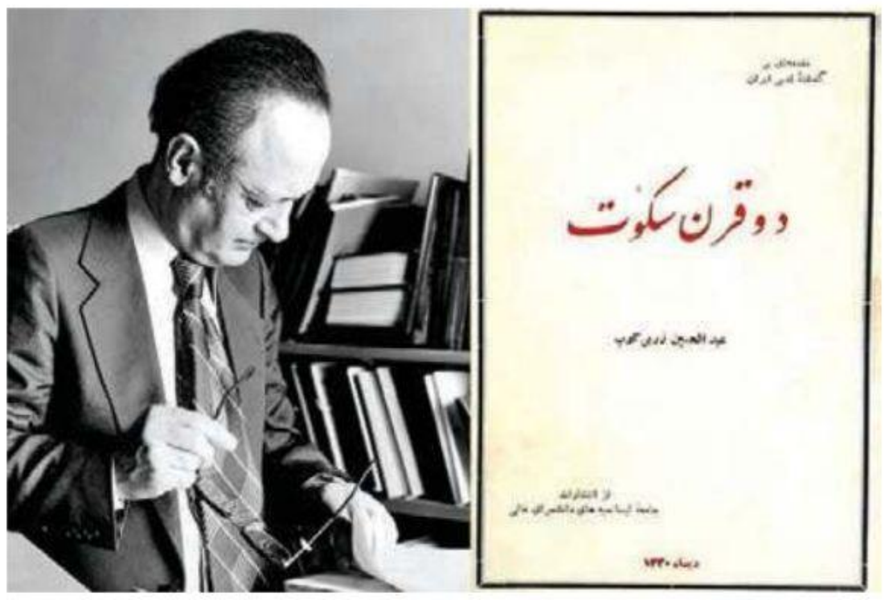
او با اشاره به تجربه‌هایش در اجرا افزود: اجرا و مجری گری از نظر من کاری بسیار دشوار است. مجری باید دایره واژگان گسترده، تسلط کلامی و توانایی مدیریت گفت‌وگو داشته باشد و گاهی لازم است بدون متن و برنامه از پیش تعیین‌شده، یک برنامه طولانی را پیش ببرد. تجربه اجرا به من کمک کرده است تا در بازیگری نیز ارتباط بهتری با مخاطب برقرار کنم و نقش ها را دقیق‌تر ارائه دهم.

رفیعی با اشاره به تمایل خود برای تجربه نقش های متفاوت‌تر، گفت: این روزها به این فکر می کنم که شاید کمتر سراغ نقش های کاملا طنز بروم و شخصیت های جدی‌تر و حتی تلخ را هم تجربه کنم. دوست دارم خودم را در موقعیت های تازه محک بزنم و ببینم در نقش هایی متفاوت از تجربه های گذشته‌ام چه توانایی هایی دارم.

بازیگر «کارآگاه علوی ۳» با اشاره به جذابیت قصه های جنایی و معمایی برای مخاطبان گفت: این نوع داستان ها معمولا با راز، تعقیب‌وگریز و تلاش برای کشف هویت مجرم همراه هستند و همین عناصر می توانند مخاطب را درگیر کنند.

چرا کتاب‌های دکتر زرین کوب را نباید فقط یک بار خواند؟

حقیقت یک روایت



دنیای اقتصاد چندی پیش گفت‌وگوی دکتر محمد دهقانی پژوهشگر، مترجم و استاد سابق ادبیات دانشگاه تهران و انتقادش از دکتر عبدالحسین زرین کوب بحث‌های داغی را در فضای فرهنگی و مجازی به وجود آورد. این پژوهشگر در مصاحبه با ایبنا، متدولوژی و روش شناسی آثار زرین کوب را زیر سوال برد و گفت آثار تاریخی و ادبی زرین کوب مانند کتاب هایی که در رد «۲۳ سال» علی دشتی یا درباره تصوف و تاریخ اسلام نوشته شده‌اند فاقد معیارهای روش شناختی نوین و نقد علمی دقیق هستند و سطحی از «ابتذال در دانشگاه ایرانی» را نمایندگی می کنند.

دهقانی در مصاحبه خود پاشنه آشیل آثار زرین کوب و هم نسلانش را فقدان روش شناسی علمی مدرن می داند و معتقد است آثاری چون «دو قرن سکوت» یا کارهای زرین کوب در باب تصوف، بیشتر از آنکه پژوهش های متمایز و مبتنی بر اسناد سنجیده باشند، متونی خطابی، جذاب برای عموم و تا حدی رمانتیک هستند.

این نقدها در حالی توسط محمد دهقانی مطرح شده است که او از پایان نامه دکتری خود در سال ۱۳۷۷ با عنوان «تاریخ نقد ادبی در ایران» تحت راهنمایی و نظارت مستقیم عبدالحسین زرین کوب دفاع کرده است. منتقدان می گویند که نقد آیین و اخلاق خاص خود را دارد و متهم کردن یا مشکوک جلوه دادن کل کارنامه یک بزرگ مرد ادبیات با جملاتی غیرمنصفانه، دور از انصاف و فروریختن جایگاه خودِ ناقد است. در پی بالا گرفتن انتقادات، دهقانی یادداشتی در کانال تلگرامی خود منتشر کرد و ضمن دفاع از رویکرد خود، این انتقادات بنیادی را بخشی از نقد علمی دانست، هرچند ادبیات این یادداشت از سوی برخی تحلیلگران به‌تندخویی تعبیر شد.

دیروز خبرگزاری ایبنا مطلبی منتشر کرد با عنوان «حقیقت روایت» با روتیتر از بیهقی تا زرین کوب؛ درنگی در مرز تاریخ و روایت که به نظر می رسد واکنشی است به گفت‌وگوی منتشر شده در این خبرگزاری. در این مطلب آمده است کتاب هایی هستند که نمی توان آنها را فقط یک بار خواند و کنار گذاشت. باید سال ها بعد دوباره به سراغشان رفت؛ با چشم هایی که دیگر چشم های نخستین خواندن نیستند. «دو قرن سکوت» از همین کتاب هاست. اثری که در نخستین مواجهه، خواننده را با خود به گذشته می برد، اما در بازخوانی، پرسش دیگری پیش روی او می گذارد: آنچه می خوانیم، خودِ گذشته است یا تصویری که نویسنده از گذشته ساخته است؟

در ادامه این مطلب آمده است: «این پرسش، ما را به مساله‌ای قدیمی‌تر از تاریخ‌نگاری معاصر می رساند؛ به نسبت میان واقعه و روایت، میان آنچه اتفاق افتاده و آنچه از آن به حافظه و زبان ما راه یافته است. تاریخ، برخلاف تصور رایج، مجموعه‌ای از وقایع آماده و لذت‌ببرد، اما در کنار سرگرمی باید به اندیشه نیز توجه کنیم. مهم است که مخاطب پس از خروج از سالن درباره آنچه دیده است، فکر کند و از خود بپرسد نمایش چه می خواست بگوید. او گفت: اگر بتوانیم حتی بر یک نفر تاثیر بگذاریم، کار خود را به نتیجه رسانده‌ایم. به همین دلیل، نباید تنها به میزان استقبال از نمایش‌های کمدی یا آثاری که با حضور چهره‌های شناخته‌شده روی صحنه می روند توجه کنیم. اندیشه در تئاتر اهمیت زیادی دارد و ما باید خوراک فرهنگی و فکری مناسبی به مخاطب ارائه دهیم.

حسین رفیعی از بازی در «کارآگاه علوی ۳» می گوید

بازیگر باید به شخصیت وفادار بماند

حسین رفیعی مجری و بازیگر که این روزها در سریال «کارآگاه علوی ۳» حضور دارد از ایفای نقش متفاوتش در سریال «کارآگاه علوی ۳» حرف زد. او در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر گفت: زمانی که اولین فصل این سریال ساخته و پخش می‌شد، من در ابتدای مسیر کاری‌ام بودم و همیشه دوست داشتم تجربه حضور در چنین مجموعه‌ای را داشته باشم. وقتی پیشنهاد بازی در فصل جدید به من داده شد، برایم اتفاقی هیجان انگیز بود و از اینکه به گروه اضافه می شدم، خوشحال بودم.

او درباره ویژگی های نقشی که در این مجموعه ایفا کرده است، توضیح داد: وقتی فیلمنامه را خواندم، متوجه شدم با شخصیتی روبه‌رو هستم که ویژگی های خاصی دارد و در گره‌افکنی های یک قصه جنایی نقش ایفا می کند. بازی در چنین نقشی برایم تجربه‌ای تازه بود، به‌ویژه اینکه داستان در دوره‌ای تاریخی روایت می شود و باید با توجه به شرایط آن زمان، از پوشش و گریم گرفته تا نوع نگاه و رفتار شخصیت، خودم را به فضای قصه نزدیک می کردم.

رفیعی با اشاره به سال ها فعالیت در حوزه طنز و اجرا گفت: بازیگرانی که مدت زیادی در عرصه طنز فعالیت کرده‌اند، گاهی عادت دارند بخشی از نگاه و سلیقه خود را به متن اضافه کنند تا موقعیت‌ها بامزه‌تر شود. با این حال، در برخی نقش ها لازم است بازیگر به متن وفادار بماند و از اضافه کردن شوخی های شخصی پرهیز کند.

رفیعی درباره نسبت شخصیت واقعی خود با نقش هایی که ایفا می کند، گفت: من در هر شرایطی حسین رفیعی هستم؛ چه نقش یک مجرم را بازی کنم، چه نقش یک کودک یا مجری. با این حال، وقتی بازیگر نقشی را می پذیرد، باید به ویژگی های آن نزدیک شود و به شخصیت وفادار بماند. هر بازیگری بر اساس توانایی ها، تجربه‌ها و نگاه خودش نقش را پردازش می کند و به آن شکل می دهد.

او با اشاره به تجربه‌هایش در اجرا افزود: اجرا و مجری گری از نظر من کاری بسیار دشوار است. مجری باید دایره واژگان گسترده، تسلط کلامی و توانایی مدیریت گفت‌وگو داشته باشد و گاهی لازم است بدون متن و برنامه از پیش تعیین‌شده، یک برنامه طولانی را پیش ببرد. تجربه اجرا به من کمک کرده است تا در بازیگری نیز ارتباط بهتری با مخاطب برقرار کنم و نقش ها را دقیق‌تر ارائه دهم.

رفیعی با اشاره به تمایل خود برای تجربه نقش های متفاوت‌تر، گفت: این روزها به این فکر می کنم که شاید کمتر سراغ نقش های کاملا طنز بروم و شخصیت های جدی‌تر و حتی تلخ را هم تجربه کنم. دوست دارم خودم را در موقعیت های تازه محک بزنم و ببینم در نقش هایی متفاوت از تجربه های گذشته‌ام چه توانایی هایی دارم.

بازیگر «کارآگاه علوی ۳» با اشاره به جذابیت قصه های جنایی و معمایی برای مخاطبان گفت: این نوع داستان ها معمولا با راز، تعقیب‌وگریز و تلاش برای کشف هویت مجرم همراه هستند و همین عناصر می توانند مخاطب را درگیر کنند.

بیرون از جهان روایت نمی ایستد. او نیز در زمانه خود زندگی می کند، جایگاهی دارد و از منظر خاصی به حوادث نگاه می کند. شاید اعتبار یک روایت از جایی آغاز شود که نویسنده، آگاهانه یا ناآگاهانه، حدود دانسته‌های خود را نیز به رسمیت بشناسد.

با چنین پرسشی می توان به سراغ عبدالحسین زرین کوب رفت؛ پژوهشگری که نامش برای چند نسل از خوانندگان فارسی‌زبان با تاریخ ایران، ادبیات، عرفان و تمدن اسلامی گره خورده است.»

در ادامه این مطلب آمده است: «زرین کوب را باید در جایگاه ویژه‌ای که میان مورخ و ادیب داشت شناخت. او از آن دسته نویسندگانی بود که می توانست انبوهی از اطلاعات تاریخی را از خشکی گزارش بیرون بیاورد و به آنها جان ادبی ببخشد. در آثاری چون «پله‌پله تا ملاقات خدا»، «سر نی»، «از کوچه رندان» و «دو قرن سکوت»، گذشته تنها مجموعه‌ای از نام‌ها و تاریخ‌ها نیست؛ جهانی انسانی است با کشمکش‌ها، باورها، شکست‌ها و آرزوهایش. این توانایی، بی‌تردید از امتیازهای بزرگ اوست. بسیاری از خوانندگان از طریق آثار زرین کوب به تاریخ و فرهنگ ایران و جهان اسلام علاقه‌مند شده‌اند؛ امتیازی که نمی توان آن را با چند ایراد و لغزش پژوهشی نادیده گرفت.

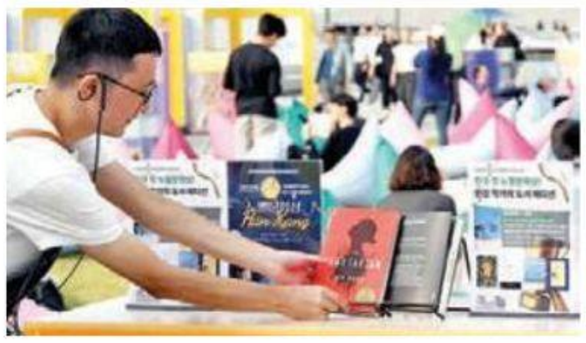
با این همه، درست در همین نقطه باید کمی درنگ کرد. نثر قدرتمند، گاه چنان بر ذهن خواننده اثر می گذارد که مرز میان داده تاریخی و تفسیر نویسنده کمتر دیده می شود. وقتی روایت با چنین مهارتی پیش می رود، خواننده ممکن است بی‌آنکه متوجه باشد، داوری نویسنده را به جای خود واقعه بنشاند. این خطر در تاریخ‌نگاری ادیبانه جدی است؛ زیرا زیبایی و انسجام روایت می تواند به آن اقتداری ببخشد که الزاما از قوت اسناد حاصل نشده است.»

در ادامه این مطلب به کتاب «دو قرن سکوت» اثر مشهور دکتر زرین کوب اشاره شده و آمده است: «کتاب نخستین بار در سال ۱۳۳۰ منتشر شد؛ زمانی که زرین کوب بیست‌ونه سال داشت. اثر به‌سرعت شناخته شد و به یکی از کتاب های اثرگذار در شکل گیری تصور عمومی از سرگذشت ایران پس از فتح عربی تبدیل شد. با این حال، نویسنده به تجدید چاپ آن رضایت نداد. پنج سال بعد، در سال ۱۳۳۶، نسخه‌ای گسترش‌یافته و بازنگری‌شده منتشر کرد. تغییرات فقط به افزودن چند مطلب محدود نبود؛ ساختار کتاب نیز دگرگون شد. برای نمونه، فصل «فرمانروایان صحرا» در چاپ دوم افزوده شد؛ فصلی که زمینه تاریخی و مناسبات پیشین عرب‌ها و ایران را بیشتر در معرض دید خواننده قرار می داد. این بازنگری را باید جدی گرفت. زرین کوب در مقدمه چاپ دوم به انتقادهایی که درباره چاپ نخست مطرح شده بود توجه نشان داد و از برخی داوری های شتاب‌زده و تعصب‌های دوره جوانی فاصله گرفت. این رفتار، در کارنامه یک پژوهشگر، اهمیت اخلاقی و علمی دارد. او به شهرت کتابش پناه نبرد و متن خود را از نقد مصون ندانست.»

در گزارش ایبنا آمده است: عنوان «دو قرن سکوت» از همان آغاز، خواننده را با تصویری خاص از یک دوره روبه‌رو می کند. سکوت چه کسانی؟ سکوت در کدام عرصه؟ آیا جامعه‌ای که در آن دگرگونی های سیاسی و دینی جریان دارد، مناسبات اجتماعی تازه‌ای شکل می گیرد، زبان و فرهنگ دستخوش تحول می شود و ایرانیان در ساختن تمدنی تازه مشارکت می کنند، واقعا دو قرن خاموش بوده است؟ شاید عنوان کتاب بیش از آنکه گزارشی دقیق از تمام واقعیت آن دو قرن باشد، بیانگر تجربه نوعی گسست تاریخی و فرهنگی است؛ گسستی که نویسنده در پی فهم و روایت آن بوده است. اما همین انتخاب، پرسشی را پیش می کشد که نمی توان از کنار آن گذشت: آیا نامی که بر یک دوره می گذاریم، پیش از آغاز پژوهش، بخشی از نتیجه را در ذهن ما تعیین نمی کند؟ ایرانیان در دو قرن نخست اسلامی از صحنه تاریخ محو نشده بودند. مقاومت های سیاسی، شورش ها، تغییر مناسبات قدرت، استمرار سنت های فرهنگی و مشارکت ایرانیان در شکل گیری دانش و تمدن اسلامی، همگی بخشی از واقعیت آن دوران اند. بنابراین اگر سکوت را به معنای خاموشی مطلق فرهنگی و اجتماعی بگیریم، با تصویری که از منابع تاریخی و تحولات آن دوره به دست می آید سازگار نخواهد بود. باید روشن کنیم که سخن از کدام سکوت است و چه چیزی در این تعبیر برجسته یا پنهان می ماند. در اینجا مساله از نقد یک عنوان فراتر می رود. تاریخ را نمی توان تنها با شمارش حوادث شناخت. باید دید چه نسبتی میان حوادث برقرار کرده‌ایم و از کنار هم قرار دادن آنها چه معنایی ساخته‌ایم. ممکن است دو مورخ به منابعی نزدیک به هم دسترسی داشته باشند، اما با دو پرسش متفاوت به سراغشان بروند و در نتیجه دو روایت متفاوت پدید آورند.»

راز سفارش‌های ۱۰۰ هزارتایی در کره‌جنوبی چه بود؟

یورش خاموش هوش مصنوعی به کتاب‌فروشی‌ها



وقتی شرکت‌های ناشناس خارجی از صدها هزار عنوان کتاب، دقیقا «یک نسخه» سفارش می دهند، زنگ خطر برای ناشران به صدا درمی آید و ناشران جهان تازه فهمیده‌اند که ماشین‌های هوش مصنوعی برای یادگیری، چطور به جان حاصل عمر نویسندگان افتاده‌اند و غول های فناوری چگونه در سکوت، قفسه کتابخانه‌ها را می بلعند.

به گزارش ایبنا، تصور کنید ناگهان شرکت هایی ناشناس از آن سوی دنیا وارد کتاب‌فروشی شما شوند و از ۱۰۰ هزار عنوان کتاب مختلف، دقیقا «یک نسخه» بخواهند؛ خریدی عجیب، بی‌سابقه و مشکوک که این روزها صنعت نشر کره‌جنوبی را به لرزه درآورده است. این غول های فناوری برای سیر کردن اشتهای ماشین‌های هوش مصنوعی به منابع زبانی تازه نیاز دارند و به نظر می رسد این بار نوبت به ادبیات شرق آسیا رسیده است؛ شکاری خاموش که نویسندگان و ناشران را برای حفظ حاصل عمرشان به تکاپو انداخته است.

ماجرا از آنجا لو رفت که مرکز کتاب کیوبو از معتبرترین فروشگاه های زنجیره‌ای کتاب در کره‌جنوبی، اعلام کرد از ابتدای سال جاری میلادی ۱۰ شرکت خارجی از آمریکا و بریتانیا به آنها مراجعه کرده‌اند. این خریداران در ظاهر خود را «عمده‌فروش کتاب» معرفی می کردند، اما وقتی دقیق‌تر بررسی شدند، مقصد نهایی محموله‌ها شرکت های تحلیل داده از آب درآمد. وقتی مدیران کتاب‌فروشی دیدند هیچ توجیه منطقی برای خرید تک‌نسخه‌ای از صد هزار عنوان مختلف وجود ندارد و پای تغذیه مدل های زبانی هوش مصنوعی در میان است، دست رد به سینه آنها زدند. تجربه مشابهی هم در فروشگاه اینترنتی یس ۲۴ رقم خورد؛ جایی که یک توزیع کننده آمریکایی برای خرید انبار کتاب‌های دست دوم مذاکره کرد، اما با شروع سوال‌وجواب‌های دقیق، ناگهان غیبش زد و گفت‌وگوها را نیمه‌کاره رها کرد.

این نگرانی ها توهم توطئه نیست؛ پیش از این مشخص شد که در پرونده دعوای حقوقی جمعی نویسندگان علیه شرکت هوش مصنوعی آنتروپیک در آمریکا، نام ۲۱ کتاب از نویسندگان کره‌ای در فهرست قربانیان نقض حق نشر دیده می‌شود. موسسه ترجمه ادبیات کره‌جنوبی بلافاصله این موضوع را به نویسندگان اطلاع داد تا بتوانند پیگیر حقوق و غرامت خود شوند. حتی در همسایگی آن‌ها، یعنی ژاپن نیز خریدهای مشکوک و فله‌ای کتاب‌های دست دوم در حوزه‌های تاریخ، فلسفه و پزشکی زنگ خطر را به صدا درآورده است؛ نشانه‌ای روشن از اینکه شرکت‌های هوش مصنوعی بعد از متون انگلیسی، به سراغ اسکن انبوه و بلعیدن کتاب‌های چاپی زبان‌های دیگر رفته‌اند.

حالا جامعه فرهنگی کره دست روی دست نگذاشته است. انجمن ناشران کره بررسی گسترده‌ای را در میان کتاب‌فروشی‌ها، کتاب‌فروشان دست دوم و مراکز پخش آغاز کرده تا بعد از ثبت دقیق آمار، یک نهاد مشترک صنفی برای دفاع حقوقی و تدوین قوانین حمایتی تشکیل دهند. بیانیه‌ای هم منتشر شده که تاکنون بیش از ۲۴۰ انتشارات و بیش از ۷۰۰ نویسنده، مترجم و تصویرگر پای آن را امضا کرده‌اند.

چو هان نا، مدیر نشر پرون سوپ، می گوید: یک نویسنده یا ناشر کوچک چطور می تواند به تنهایی در برابر غول های چندمیلیارددلاری فناوری جهان بایستد؟ درد بزرگ‌تر این است که شرکت‌های هوش مصنوعی هیچ شفافیتی ندارند و معلوم نیست این حجم عظیم کتاب را از کجا، چگونه و با چه ابزاری وارد سیستم‌های خود می کنند. پارک جونگ-این، استاد دانشگاه و متخصص حق نشر، این بحران را در یک جمله خلاصه می کند: «قانون حق مؤلف روی کاغذ وجود دارد، اما سازوکار عملی برای به اجرا درآوردن آن تعبیه نشده است.» تا زمانی که قوانین شرکت‌های هوش مصنوعی را به شفاف‌سازی منابع داده‌های آموزشی مجبور نکنند، دفاع از سرمایه‌های معنوی و کتاب‌ها کاری دشوار و نابرابر خواهد بود.

دختر اکبر عبدی:

او اسطوره بود



المیرا عبدی دختر اکبر عبدی بازیگر فقید سینمای ایران از فقدان پدرش سخن گفت. او در گفت‌وگو با ایرنا سخن گفت: فقط می توانم بگویم که بابا، اسطوره بود و یکی از افتخارات بزرگ زندگی‌ام این بود که دختر آقای عبدی بودم. علاوه بر هنر، در زندگی هم اول بود چرا که به هیچ بدی ازش یاد نمی کنند، بدی نداشته است. همیشه به ما می گفت با همه مهربان باشید و به همه کمک کنید حتی اگر کسی به شما بدی کرد، با خوبی به او جواب بدهید.

او توضیح داد: از وقتی هم که نیست لَقَد وصف خوبی هایش را می شنوم که باورم نمی شود این شاید به عنوان یک اسطوره است. واقعا مثل سعدی و حافظ که تکرار نمی شود، تکرار نشدنی است و متاسفانه خیلی زود از دستش دادیم.

عبدی گفت: کاش بود؛ زندگی که در جریان است بابت خوبی های او مدیونم و امیدوارم هر جا هست برای من آرزوی صبر کند. او گفت: خیلی دوست داشتم برای یک بار هم شده من را دعوا کند، بگوید این کارت اشتباه بوده، این کار را نباید می کردی، یا این مسیر را اشتباه رفتی. من حتی مسیری را اشتباه رفته بودم هیچ وقت نمی گفت، می گفت درست است. هرگز دعوای بدی نکرده و به خوبی راهنمایی‌ام کرده است و ای کاش بیشتر از این حرف‌ها صمیمیتم را با بابا حفظ می کردم چون فاصله پدر و دختری همیشه بین ما بود. خجالتی بودم نسبت به پدر، ای کاش صمیمی‌تر بودم. عبدی افزود: لحظه‌های آخر یک کمی صمیمیت بین ما بود و هر وقت در این سه چهار ماه به بیمارستان می‌رفتم منتظر می‌ماندم که پزشکان بیایند و درد دل می کردیم. درست است حال عمومی‌اش خوب نبود اما هر وقت می‌آمدم احساس راحتی می کردم که ذره‌ای با او صمیمی باشم. اما دیر به فکرش افتادم، به خاطر مشغله کاری که داشت ذره‌ای فاصله بین ما بود اما با این حال هیچ گاه از خوبی و صمیمیتش برای من کم نمی گذاشت. او گفت: بابا من را المیرا صدا می کرد و من او را اکبر صدا می کردم. از وقتی گفتم اکبر، همه خیلی هجوم آوردند که چقدر بی ادب است که بابا نمی گوید اما من از پنج سالگی به او اکبر می گفتم. در یک مصاحبه هم گفته بود که نه المیرا و نه نوه‌ام من را بابا صدا نمی کنند.

مایکل مان راهی بیمارستان شد

شلیک کارگردان معروف به خودش



مایکل مان، کارگردان ۸۳ساله، پس از شلیک تصادفی به پایش در میدان تیراندازی لس‌آنجلس، به بیمارستان منتقل شد. او پس از تمرین در این مرکز تیراندازی سرپوشیده سعی داشت اسلحه خود را در غلاف قرار دهد که اسلحه شلیک شد.

درحالی که پلیس لس‌آنجلس تایید کرد که او در زمان تماس در وضعیت پایداری بود، ددلاین خبر داده که این آسیب‌دیدگی سطحی است و بر شروع کار «مخمصه ۲» تاثیری نخواهد گذاشت.

نمایندگان مان هم در بیانیه‌ای اعلام کردند: «روز شنبه، در یک میدان تیراندازی، یک سلاح به طور تصادفی درحالی که غلاف شده بود، شلیک شد و منجر به جراحت سطحی مایکل مان، کارگردان فیلم، شد. او تحت درمان قرار گرفت و در حال ترخیص است.» مان تیرانداز باتجربه‌ای است که ده‌ها در میدان های تیراندازی تمرین کرده و گفته شده این حادثه پس از تمرین رخ داده است.

برای چنین حادثه‌ای زمان‌بندی بدتر از این نمی شد تصور کرد. به تازگی گزارش شده بود که فیلمبرداری «مخمصه ۲» در ژانویه آغاز می شود و لئوناردو دی کاپریو و کریستین بیل در نقش های اصلی آمادگی حضور در صحنه را داشتند. این پروژه آمازون/ام‌جی‌ام با بودجه حدود ۱۷۰ میلیون دلاری، قرار است در لس‌آنجلس، شیکاگو، پاراگوئه و سنگاپور فیلمبرداری شود.

مان کارگردان فیلم هایی مانند «مخمصه»، «دزد»، «شکارچی انسان»، «میامی وایس» و «نفوذی»، آخرین بار در سال ۲۰۲۳ فیلم «فراری» را کارگردانی کرد. مان در یک مسترکلاس در جشنواره لومیر فرانسه در سال ۲۰۲۵ درباره فیلم جدیدش «مخمصه ۲» گفته بود: شخصیت های «مخمصه» برای من خیلی زنده هستند. بر اساس رابطه بین ۲ دشمن مرگبار، هانا با بازی پاچینو و مک کالی با بازی دنیرو، ایده‌ای به ذهنم رسید که چگونه می توان هم قبل و هم بعد از وقایع «مخمصه» را به تصویر کشید.